

این قساوت را افسار می زنیم!

وریا نقشبندی



پیدا شدن اجساد بازداشت شدگان و ربوده شده ها در رودخانه ها، سدها، نیزارها و ... تهدید به سکوت خانواده کشته شدگان، بی خبری از وضعیت دیگر بازداشت شدگان، صحنه ناتمامی است که هر روز تا مطلع شدن از وضعیت آخرین بازداشتی به اجراء در میاید. ... صفحه ۲



نه چشمانی می تواند به خواب بسته شود. کرور کرور انسان در ایران و بعلاوه در عراق و لبنان، شبانه روز توسط سگ های هار خامنه ای و نظامش، حزب الله لبنان، حشد شعبی عراق و بسیج و سپاه در ایران، تعقیب، کشتار، زخمی، اسیر و شکنجه می شوند. ... ص ۳

حاکمیت مورد هدف قرار گرفت، زخمی ها را از بیمارستانها و مراکز درمانی ربودند، هر تعداد را تا آنجا که توانستند اعدام کردند و از سرنوشت خیلی های دیگر هنوز اطلاعی در دست نیست. اما وحشی گری و ددمنشی جمهوری اسلامی تا به اینجا خاتمه نیافته، کما اینکه دستگیری های فله ای معترضان و قیام کنندگان در خیابانها و یورش به خانه ها، خبر از فاجعه بزرگتری میدهد.

یک هفته قطعی اینترنت کافی بود برای مزدوران جمهوری اسلامی که به سبک خود و با فراغ باز دست به قتل عام و کشتار خیابانی خیزش آبان ماه بزنند. یک هفته ی که حمام خون راه انداخته شد، هفته ای که قلب و شقیقه محرومان و ستم کشان این جامعه که برای خلاصی از بهره کشی و استثمار، در صفی متحد علیه حاکمان زر و زور ایستادند، توسط تک تک سران ریز و درشت

انتقام

میگیریم!

مظفر محمدی

را بشماریم؟ از زیر خاک بیرون بکشیم، از دریاچه بیرون بکشیم در سردخانه ها جنازهای شکنجه شده شان را تحویل بگیریم و شبانه بخاک بسپاریم؟ جانباختگان بی شمار گم شده و در گورهای جمعی خاوران را که شمرد؟ خامنه ای و نظامش ظرفیت سوزاندن مردم معترض و بجان آمده در کوره های آدم سوزی را دارد. نباید منتظر شد! این روزها و شب های دردناک نه برای هیچ شعوری قابل قبول است، نه وجدانی آرام می گیرد و

جنازه متلاشی شده ارشاد رحمانیان یکی دیگر از قربانیان جنایت جمهوری اسلامی از آب بیرون کشیده شد. چه کسی می داند در یک هفته قتل عام آبان ماه چند هزار نفر کشته شدند؟ چند ده هزار نفر اسیر و تحت شکنجه اند؟ آیا کسی منتظر این آمار خواهد شد؟ چند ماه طول می کشد تا یکی یکی و گروه گروه کشته هایمان

حکمتیست
۲۸۷

۱۹ دسامبر ۲۰۱۹ - ۲۸ آذر ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود

۱۶ آذر، محاکمه سوسیالیست ها در "دادگاه" تقوایی

خالد حاج محمدی ص ۴

یاد جانباختگان مان را گرامی میداریم!

اطلاعیه دفتر کردستان

حزب حکمتیست - خط رسمی

روز پنجم دی ماه به فراخوان مادرانی که رژیم قاتل و جنایتکار، جان فرزندانشان را گرفت، یاد جانباختگانمان را گرامی می داریم. شکی نیست مردم کردستان همچنانکه در خیزش آبان ماه اراده خود را به میدان آوردند و بر سرنگوی جمهوری اسلامی تاکید کردند، پنجم آبان و یاد جانباختگان را گرامی می دارند و با ابتکارات خود، نفرت و انزجار خود از رژیم مفلوک و جنایتکاری که تمام نیروی کشتارش را علیه مردم معترض به میدان آورد، اعلام می کنند. جمهوری اسلامی در یک هفته قتل عام آبان صدها نفر از فرزندان ما را کشته و زخمی کرده است، هزاران نفر را به اسارت گرفته و در زندان ها تحت آزار و توهین و شکنجه قرار داده است. جنگ نابرابری که رژیم به ما تحمیل کرد و میزان کشته ها و اسرای ما نه نشان از قدرت دشمن بلکه حاکی از ترس و وحشت رژیمی است که ... صفحه ۳

حکومت کارگری
برابری
آزادی

این قساوت ...

کشی های شما تره هم خرد نمیکند. یک صدا را خفه کنید، صداها صدا بلند میشود، این آمار و ارقام ذره ای در جنایتکار بودن و داعشی بودن این نظام و همه شما در این قرن نمی کاهد، ولی به ازای هر قربانی با هزاران شورش دیگر طرف خواهید شد. خواست سرنگونی جمهوری اسلامی با جمهوری اسلامی متولد شد، زندانی کردن، شکنجه کردن، اعدام و قتل عام کردن، این جنبش را تضعیف نکرد و اتفاقاً آبدیده تر، آگاهتر و انقلابی تر کرد.

جمهوری اسلامی میداند که مردم ایران توهمی به این نظام ندارند، چهار دهه است که با گوشت و پوست آن را حس کرده اند، کروور کروور اعدامی از زندانهای این نظام تحویل گرفته اند، شلاق سرکوب و ارعاب این نظام را بر پشت خود دیده اند. بیشمار خانواده ها داغدار شده اند و فرزندان دیگری راهشان را ادامه داده اند؛ اینها میدانند که روی خاکستری نشسته اند

که زیرش آتش خشم و تنفر و عصیان اکثریت آن جامعه خوابیده است. میدانند که با هر وزش اعتراضی شعله کشیده و روزی فرا میرسد که تار و پود این نظام را به دود می سپارند. کُرکری خواندن این و آن نماینده مجلس و وزیر و ... در اعتراض به این سرکوب، خود دلیل محکمی است بر واهمه و ترسی که بر پیکر همه جناح های رژیم افتاده است، از فردای خیزش های دیگر میترسند، از انتقام قیام کنندگان و مجازات کردن تک تک عاملان و نمایندگان جمهوری اسلامی که برای بقای آن حتی حاضر هستند علیه هم بایستند، به همدیگر جفتک بزنند تا اسباب دفاع از خود در دادگاههای مردمی را از همین امروز فراهم کنند تا مورد غضب و خشم انقلاب مردم قرار نگیرند.

تاریخ همیشه انگونه نخواهد بود و نخواهد ماند که شما تا دندان مسلح و با تانک و نفربر صف آرایی کنید و

تهیدستان با سینه های سپر شده در خون بغلتند؛ اینبار تاریخ را ما اکچریت مردم ایران و طبقه کارگر رقم خواهیم زد؛

ما شجاعت و جانفشانی برای زندگی شایسته تر، برای فردای بهتر و رهایی از انقیاد و بردگی را از هم آموخته ایم.

ما فرزندان طبقه ای هستیم که مبارزه و عصیانگری علیه نظام استثمارگر را نسل به نسل بر دوش کشیده ایم و تا بزیر کشیدنتان از پای نخواهیم نشست. ما آتشفشانی از خشم و عصیان را در دلهای خود داریم، ما خواهران و برادران طبقه کارگر در ایرانیم؛ هرچقدر بکشید، هرچقدر سرکوب و مرعوب کنید، باز از هر خانه و کوچه و خیابانی دوباره میشکفیم و زمین را زیر پایتان داغ میکنیم. جست و خیز کردنهای امروزتان، پایکوبی هایتان بسیار بسیار زودگذر خواهد بود.

ما کشته های خود را از

زیر خاک و اعماق آبها بیرون میکشیم، بر مزارشان جمع میشویم، سرود روز پیروزی را زمزمه میکنیم و پیمان میبندیم که انتقام هر قطره خونی که ریخته شده است را از تک تک سران این نظام خواهیم گرفت. بر هر مزاری پرچمی به قامت تک تک جانباختگان این خیزش از رنگ خون و نقش آزادی و برابری می کشیم و تجدید پیمان می بندیم. بر بلندترین قله های ایران پرچمی به وسعت این قیام را به اهتزاز درمیآوریم، جهانیان را به انقلابمان فرا میخوانیم و فریاد زنده باد آزادی و برابری را سر میدهیم.

حلقه اتحاد و همبستگی طبقاتی ما با هر قطره خونی که ریخته شود، آبدیده تر محکمتر خواهد شد. با هر گروگانی که از طبقه ما اسیر کنید، رهبران و آزادیخواهان بیشماری سربلند میکنند، اراده و عزم ما راسخ تر از گذشته برای افسار زدن بر این توحش به میدان آمده است.

جمهوری اسلامی به سیم اخر زده است، راه دیگری جلوی خود ندارد. میدانند که نفس های پایانی خود را میکشد، میدانند که هیچ خدا و پیغمبری دیگر قدرت اقناع جامعه را ندارد، میدانند که همه کارتهای بازی اش سوخته است و چاره ای جز بهم زدن کافه را ندارد. قهقهه مستانه سر دادن دوره بعد از سرکوب هر چند موقتی، اما نشان پیروزیشان نیست بلکه ناشی از سلیلی محکمی بود که پایین جامعه و به قول خودشان "امت مستضعف" صورتشان را نوازش داد. یک هفته اینترنت را قطع کردید که به خیال خود میتوانید سرکوب کنید، بکشید، سر به نیست کنید و آب هم از آب تکان نخورد، که حق السکوت بگیرید؟! کور خواندید! آمار قربانیان این دوره یکی پس از دیگری برملا و به پرونده جنایاتتان اضافه شده است. کسی برای عربده

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

۱۶ آذر، محاکمه سوسیالیست ها در "دادگاه" تقوایی

خالد حاج محمدی



۱۶ آذر امسال اعلام تسلیم نشدن جامعه به حاکمیت بود. در این روز و بعد از جنایات و کشتار مردم توسط حاکمین و خون پاشیدن به اعتراضات مردم آزادیخواه، بعد از اشغال خیابانها توسط مزدبگیران مسلح و مزدوران و دستجات اوباش آنها، بعد از تبلیغات و تهدیدات همه روسای رژیم به اعدام و زندان و... معترضین، نسل جوان آزادیخواه و برابری طلب در دانشگاههای ایران اعلام کردند که تسلیمی در کار نیست! اعلام کردند تعرض حاکمیت به معیشت طبقه کارگر و مردم محروم، تهدید و ارباب و کف چرانی جلادان را تحمل نخواهند کرد و در مقابل آن خواهند ایستاد. بعلاوه در این مناسبت دانشجویان امیال و آرزوهای کارگران و اقشار محروم جامعه، در دفاع از آزادی و برابری، ددفاع از حق زن و علیه استثمار و بردگی و علیه کل سیستم حاکم را از صحن دانشگاه رو به جامعه اعلام کردند. ۱۶ آذر امسال از این زاویه یکی از برجسته ترین و

قابل تقدیر ترین و شیرین ترین، اعتراضات نسل جوان طبقه کارگر از صحنه دانشگاه بود. این اعتراضات ادامه بیانیه های کارگران هفت تپه، شرکت واحد، معلمین و بازنشستگان در محکوم کردم جنایات حاکمیت در آبان بود که در دانشگاه در شکل تجمعات بروز پیدا کرد. به همین دلیل جامعه، طبقه کارگر و همه مردم آزادیخواه آن را ستودند.

اما مراسمهای ۱۶ آذر امسال حمید تقوایی را برآشته کرده است! او با شمشیر چوبین به جنگ نسل جوان سوسیالیست رفته و به دادگاهی آنها پرداخته است.

باید دید چرا حمید تقوایی با اسم و رسم یک حزب که خود را کمونیست مینامد، علیه کارگران و مردم آزادیخواه شمشیر کشیده و چنین شتابان، چنین

پرشان و برآشفته به جنگ تحرک سوسیالیستی در دانشگاه رفته است.

بهانه تقوایی برای حمله به تجمعات ۱۶ آذر دو شعار در میان مجموعه ای از شعارها، بانرها، سخنرانی ها، بیانیه و... در اصلی ترین دانشگاههای ایران است. این دو شعار عبارتند از: "ایران، فرانسه، عراق، لبنان، شیلی... مبارزه یکی است: سرنگونی نئولیبرالیسم" و "مجاهد، پهلوی، دو دشمن آزادی".

حمید تقوایی به بهانه این دو شعار مبتکرین این مراسمها را، چپ "خط امامی"، "غیر سیاسی"، "پرو رژیمی" و... نامیده است. اما بگذارید یک دقیقه به غلط فکر کنیم این دو شعار نادرست، ناوقت و یا نامناسب است. چرا کل این تحرک آزادیخواهانه پرو رژیمی و خط امامی نام میگیرد؟ چرا به این بهانه مقاومت چپ و سنگر گرفتن در دفاع از اعتراضات آزادیخواهانه آبان به سخره گرفته میشود؟ چرا اعلام حمایت از مردم آزادیخواه از لبنان و عراق تا شیلی و فرانسه، مسخ میشوند؟ مشکل تقوایی "فرمولبندی" نئولیبرالیسم نیست!

تقوایی میگوید: "بالاخره نکته آخر و شاید مهمتر از

همه اینست که اقتصاد ایران و (همچنین عراق) نئولیبرالیستی نیست و مطلقاً هیچ ربطی به نئولیبرالیسم ندارد. سرمایه داری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اساساً با هیچ مکتب سرمایه داری ای خوانائی ندارد. مربوط ترین اسمی که میشود روی آن گذاشت سرمایه داری دزد سالار (کلپتوکراسی) است."

مستقل از "درافزوده" جدید تقوایی به مارکسیسم و "کشف" سیستم "سرمایه داری دزد سالار"، او تلاش میکند نقد سیستم کاپیتالیستی را به نقد بیت رهبری و "حاکمین برادران قاچاقچی"، بعنوان نماینده "سرمایه داری دزد سالار" تقلیل دهد، کاری که مجاهد و پهلوی و انواع نیروهای راست طرفدار سیستم سرمایه داری و همه رسانه ها و دولتهای بورژوازی میکنند. شعار علیه نئولیبرالیسم در این متن چیزی جز اعتراض به افسار گسیختگی سرمایه و بازار و بی مسئولیتی دولت در قبال شهروندان نیست. روزانه مردم در دنیا و در ایران از سپردن همه چیز از جمله تحصیل، ترانسپورت، درمان، دکتر، بهداشت و... به بازار آزاد و پولی شدن همه چیز، اعتراض میکنند. این افسار گسیختگی را در دنیا

سیاستهای نئولیبرالیسم نام میگذارند. لذا افاضات تقوایی در اینکه این نقد سرمایه نیست و نقد مکتب است پوچ است. مشکل تقوایی بر خلاف توضیحات سطحی و ذهنی در مورد یک شعار، سرمایه داری و نئولیبرالیسم نامیدن جمهوری اسلامی از طرف دانشجویان چپ است. مشکل تقوایی اتفاقاً نقد نفس سرمایه داری و کل سیستم است. مشکل او این است که دانشجویان کمونیست جنایات و توحش جمهوری اسلامی را پای سیستم کاپیتالیستی حاکم بر ایران میگذارند و او از این برآشفته است. تقوایی در ادامه میگوید: "قیمتها و سیاستها و سازوکارهای اقتصادی نه بوسیله رقابت و بازار آزاد، بلکه بوسیله خامنه ای و بیت رهبری و برادران قاچاقچی تعیین میشود." اینجا است که لیدر حزب "کمونیست کارگری" دستش باز میشود و دم خروس نقد نوع مجاهدینی به جمهوری اسلامی از زیر عبای "سرخ" حمید تقوایی بیرون میزند. او منتقد "نظام ولایتی" است. همه گناهها پای خامنه ای و بیت رهبری است، سرمایه داری در این میان بیگناه است و ←

مردم، دشواریهای مردمی و مستقل خود مشکل شوید!

نقد به آن "بی جا و بیخود" در ۱۶ آذر ظهور کرده است. تقوایی به دانشجویان می‌تازد که چرا جمهوری اسلامی را نئولیبرالیسم و سرمایه داری نام گذاشته اند. اینها دزد و قاچاقچی هستند نه سرمایه داری!!!

اعتراض تقوایی به کمونیستها در ایران پدیده ای قدیمی و آشناست که امروز نئوتوده ای پرو غرب ما به آن پیوسته است. این همان نقد راست در اپوزیسیون ایران به جریان ما در تاریخ چهل ساله گذشته است. این اعتراض بخشی از بورژوازی ایران و نمایندگان در همین حاکمیت است. بورژوازی که از دخالت ولی فقیه و حاکمیت استصوابی ناراضی و اتفاقاً خواهان پابندی به قوانین بورژوایی و قوانین بازار است، چیزی که تقوایی معتقد است در ایران پیش نمی‌رود. حمید تقوایی در این زمینه کنار همه بورژواهای ناراضی ایستاده است، کنار جناح دوحرداد و کنار جناح ناراضی بورژوازی ایران به قبضه شدن قدرت در دست بخشی و کم نقش داشتن بخشی دیگر.

در نتیجه این دانشجویان نیستند که سرمایه و اساس و بنیاد آنرا هدف قرار نداده اند، بلکه این تقوایی است که همراه اپوزیسیون راست معضل جامعه را حاکمیت "آخوندهای دزد و قاچاقچی" میدانند نه

حاکمیت سرمایه. اینجا است که نمیتوان تفاوتی میان نقد تقوایی و مجاهد و رضا پهلوی و ناسیونالیستهای کرد به حاکمیت را از هم جدا کرد. تئوری بافی های سطحی و کشف مکاتب من در آوری "سرمایه داری دزد سالار"، چیزی جز غیر دزد نامیدن سرمایه داری "اصیل" بازار آزاد و نئولیبرالیسم تقوایی نیست. پس زنده باد بازار آزاد و نئولیبرالیسم و مرگ بر سرمایه داری "دزد سالار". این دیگر خود تقوایی است که توده ای نوع طرفدار سرمایه غربی و بازار آزاد شده است. این امتداد همان چپ پرو غرب ایران، همان ناسیونالیست پرو غرب ضد اسلام است که تقوایی در این سالیان طولانی علمدارش بوده است.

حمید تقوایی میگوید:

"یکی بودن مبارزات مردم فرانسه و عراق و شیلی و لبنان نیز بی معنی است." و در ادامه توضیح میدهد که این "همردیف قرار دادن این حکومت با دولتی مثل دولت فرانسه" و هر دو را نئولیبرالیسم نام نهادن است. میگوید فرانسه و ایران متفاوتند، جلیقه زردها اعتراض کرده و به بانک هم حمله کرده اند اما فرانسه کسی را نکشته و ایران عده زیادی را کشته است.

تقوایی واقعا به سیم آخر زده است. از ضدیت خود با

ولی فقیه و "حکومت آخوندی اش" به سخنگو و نماینده هر ارتجاعی از حکومت فرانسه تا نئولیبرالیسم و سرمایه داری بازار تبدیل شده است. او حمایت دانشجویان از اعتراضات مردم شیلی و فرانسه و عراق و لبنان را به بهانه اینکه گویا بورژوازی فرانسه خیلی متفاوت است و تا کنون کسی را نکشته، به سخره میگیرد. مستقل از هر تحلیل و ارزیابی از سیستم حاکم بر فرانسه و نئولیبرالیسم و سرمایه داری غیر دزد و پاکیزه جناب تقوایی، اما ضدیت او با همسرنوشتی کارگران و مردم آزادیخواه در این کشورها و بهانه گیری های بچه گانه را دیگر جز تعرضی دست راستی و ضدیت با چپ و کمونیسم نمیتوان توضیح داد. مردم عراق و لبنان در اعتراضات خود از مردم معترض ایران حمایت کردند، جلیقه زردهای فرانسه بارها حمایت خود از کارگران هفت تپه و اعتراضات مردم آزادخواه را اعلام کرده اند. دانشجویان در ۱۶ آذر جواب این حمایتهای ارزشمند را دادند و اعلام کردند که درد ما یکی است و مبارزه ما یکی است. حمید تقوایی از این همبستگی و این احساس همسرنوشتی بر آشفته شده است و فریاد میزند تند نروید! مبارزه شما علیه "سرمایه داری دزد

سالار"، "حاکمیت آخوندی و ولی فقیه" است! نئولیبرالیسم برآزنده آخوند دزد نیست! حمید تقوایی از اینکه چپ و کمونیسم در دانشگاه در ایستگاه ضدیت با استبداد و حاکمیت اسلام پیاده نمیشود و ادعای علییه کل سیستم کاپیتالیستی را برمیدارد برآشفته شده است.

توجهات تقوایی در تفاوت فرانسه و ایران در دنیای واقعی تبلیغات رسانه ها و احزاب و جریانات راست دنیا در توجیه توحش و بربریت دولتهای غربی است. آنها نیز در جواب طبقه کارگر در فرانسه، انگلستان، آلمان و آمریکا و... سوریه، عراق، افغانستان، آفریقا و... را نشان میدهند و میگویند قانع باشید وضع شما بهتر است.

حمید تقوایی از فرط ضدیت با مخالفان کل سیستم، ضدیت با دانشجویان سوسیالیست، نهایتا آب پاکی هم بر سر دو خردادی ها که گویا در مقابل خط خامنه ای، طرفدار عبور از حکومت مذهبی و رفتن به سوی نئولیبرالیسم و توافق با آمریکا بوده اند، ریخته و میگوید:

"..... این نوع مارکسیسم دستگاهی به توده ایسم هوادار خط امام میرسد. از نظر اینان از بعد از خاتمه جنگ ایران و عراق "خط امام به راست چرخید" و با

سیاستها نئولیبرالی رفسنجانی همراه شد و همه بدبختیها از آنجا شروع شد. به این ترتیب اولاد دهه اول سلطه جمهوری اسلامی، دهه سرکوب وحشیانه کارگر و دانشجو و زنان و کشتارهای دهه شصت، همان دوران طلایی کدایی خط امامیها، از زیر تیغ حمله بدر برده میشود و ثانیاً جناح دوحرداد مسئول و عامل همه مصائب و مشکلات معرفی میشود. این همان خط حزب توده، چپ طرفدار خط امام، در هیات مارکسیسم بی دندان و سترون دانشگاهی است. این یک نوع کمونیسم پرو رژیم و مثل حزب توده بخش تئوریک خط امام است."

پرت و پلاگویی این شخص علیه کمونیستها در دانشگاه هر مرزی را درنور دیده است. باید توجه داشت اینها را فالانژهای ضد کمونیست فرشگرد نمیگویند. اینها صحبتهای حمید تقوایی است که هنوز نه تنها اسم خود را کمونیست میگذارد بعلاوه از اعتبار یک جریان کمونیستی در خدمت به خط راست پرو غرب خود سواستفاده میکند.

اینجا برنامه اقتصادی رفسنجانی و نئولیبرالیسم و اختلافات میان حاکمیت در آن دوره مورد بحث من نیست. ←

شور سرنگونی جمهوری اسلامی را بر پرچم خود تبدیل کنید!

نشریه هفتگی حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
[@Hekmatistx](https://t.me/Hekmatistx)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

به نام وحدت طلبی و جنبش همگانی سرنگونی طلبانه به هیچ ارتجاعی باج نمیدهند و کمونیستها حقایق را به جامعه اعلام و مانع خاک پاشیدن تقوایی ها به چشم کارگران میشوند. بی شک در این میدان رسوایی نصیب کسانی میشود که به نام چپ، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به سلاخی زیر چتر راست دعوت میکنند.

میدانند که هیچ امر مشترکی با پهلوی و مجاهد ندارند. میدانند از همین اکنون باید افق و امیال این ارتجاع را افشا کنند و صف مستقل خود را تشکیل دهند. میدانند اینگونه سرنگونی طلبان خود دستکمی از حاکمان کنونی ندارند.

بگذار تقوایی همراه پهلوی و خانم رجویی عزا بگیرند، کارگران و مردم آزادیخواه

سابقه ای در این نوع از "جنبش سرنگونی" حضور به هم میرسانند، همه یک امر مشترک و آنهم بزیر کشیدن ولی فقیه و شخص خامنه ای را هدف قرار داده اند. تقوایی هر نوع نقد و مقابله با هم جبهه و هم جنبشی های خود را به باد نقد میگیرد و عاملین آنرا نفرین میکند. کمونیستها به حق عضو این جبهه و جنبش "ضد ولایت فقیه" و "سرمایه داری دزد سالار" نیستند، به همین دلیل تقوایی در معرض و شانتاژ علیه آنها گوی سبقت را از مجاهد و فرشگردهای ربوده است. به همین دلیل "با اپوزیسیون نمیجنگیم" امید تقوایی، یعنی با اعضای این جنبش و جبهه نمیجنگیم و نه با کمونیستها! او علیه کمونیسم همه تعارفات را کنار گذاشته و شمشیر از رو بسته است.

اما باید اذعان کنم که تقوایی حق دارد. شعار علیه مجاهد و پهلوی و نقد آنها به عنوان جریانات ضد کارگر و ضد آزادی و برابری، لطمه ای به جبهه متحد تقوایی و برای سرنگونی ولایت فقیه است. اما مشکل تقوایی این است که جامعه ایران برای اینگونه نقدها و این نوع سرنگونی طلبی ها تره خرد نمیکند. طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه

روحانی تا دوخردادهای تقوایی در آن توحش و جنایات و در همه جنایات چهار دهه گذشته سهیم بوده اند. منجمله جناب موسوی که دوره سبز تقوایی با او کشتی نگرفت، در همان دوره نخست وزیر مملکت بود.

شعار "جنجال برانگیز" دیگر شعار "مجاهد، پهلوی، دو دشمن آزادی" است که فرشگردی ها را به فحاشی علیه کمونیستها کشانده و در میدیای اجتماعی اعلام کرده اند کاری نکنید ما هم شعار "مرگ بر کمونیست" و "زنده باد پینوشه، زنده باد ازهراری" را سر بدهیم.

تقوایی هم به دانشجویانی که شعار "مجاهد، پهلوی، دو دشمن آزادی" را سر داده اند میتازد و میگوید این شعار در مبارزه علیه جمهوری اسلامی خدشه وارد میکند، در جنبش سرنگونی تفرقه می اندازد. تقوایی سراغ شعار "بحث بعد از مرگ شاه" می رود تا مانع ایجاد تفرقه در جنبش سرنگونی "ولی فقیه" شود.

تقوایی هر نوع مقابله با همراهان امروز خود در جنبش برای سرنگونی "بیت رهبری" را به زیان خود و جنبش خود میدانند. مستقل از اینکه تقوایی و مجاهد و پهلوی با کدام پرچم و با چه تاریخ و

اما معلوم نیست این آدم چرا خدمات حزب توده به جمهوری اسلامی را پای دانشجویان چپ در ۱۶ آذر مینویسد. معلوم نیست این آسمان و ریسمان کردن و تئوری بافی و تاریخ سازی برای دوخردادها که "مظلوم" واقع شده اند، به دانشجویان چه مربوط است. بعلاوه گله مندی حمید تقوایی از اینکه سرکوب و جنایات دهه شست که به قول او دوران طلایی "خط امامی ها" بوده است و اما همه گناها را پای دوخرداد نوشتند!! از کجا می آید. چرا جناب تقوایی این نثو توده ای به دفاع از دوخرداد پرداخته و آنها را از زیر تیغ مسئولیت جنایات دهه شصت خارج میکند. جناب تقوایی از فرط پرت و پلا گویی و ضدیت با ولی فقیه عملا طرفدار رفسنجای و خاتمی و دوخرداد شده است. این نثوتوده ای پرو رفسنجانی و خاتمی است که کل معضلات اقتصادی جمهوری اسلامی و جنایات آن تاریخ را به پای یک جناح مینویسد. اولاً رفسنجانی و روحانی به اضافه خاتمی و همه شخصیت‌های بالای دوخرداد، همان خط امامی های آن دوران بودند. بعلاوه همه روسای جمهوری اسلامی از بیت رهبری و رفسنجانی،

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید